

دل رباعی

مجموعه رباعیات

ناصر بهرامی

سرشناسه	:	بهرامی ، ناصرقلی ، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	:	دل رباعی / ناصر بهرامی
مشخصات نشر	:	اصفهان: پویان مهر ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۱۸۰ ص
شابک	:	9786008033080
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	رباعی
موضوع	:	شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	:	۷۹۷۲ PIR ۱۳۹۴ ۸۳۶۵۸ هـ/
رده بندی دیویی	:	۶۲/۱ فا ۸
آرک کتشناسی ملی	:	۴۱۲۳۸۷۵

شناسنامه کتاب

نام کتاب	:	دل رباعی
اثر	:	ناصر بهرامی
ناشر	:	تشارات پویان مهر
نوبت چاپ	:	۱۰۱ - ۱۳۹۵
تعداد	:	۶۰۰
تعداد صفحات	:	۱۸۰ ص
قیمت	:	۱۰۰۰۰ تومان
تایپ و صفحه آرایی	:	ایران تکثیر نو (اقبال)
ویراستاری	:	استاد هوشنگ گلی
چاپ	:	ونوس
لیتوگرافی	:	آسمان
صحافی	:	سپاهان
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۳-۰۸۰

فهرست مطالب

	مقدمه
۱	دوستانه
۱۷	عاشقانه
۷۵	مردم
۹۱	ناصر
۱۲۳	گلایه

با نام خدا همیشه اعجاز شود
قفل از لب و از زبان ما باز شود
بی شک پلی از مهر و محبت باشد
هر نکته که با سلام آغاز شود

تقدیم به مردم به مردمی که دوستشان دارم

به آنها که با دستان پینه بسته نان در سفره هایمان
گذاشتند و آنها که عرق جبینشان به ابرها باریدن را
آموختند

تقدیم به آنها که عاشقانه ها را دوست دارند و تقدیم به
شاعرانی که شعر به بهای نان نمی سرایند . از تمام قالبهای
شعر فارسی بیشتر به رباعی دلبسته ام هرچند غزلها ،
دوبیتی و مثنوی های را دوست دارم . مجموعه ای که
تقدیم می شود بخشی از رباعی های منی باشد .

سالها در انجمنهای شعر شهر اصفهان نشست کشیدم . انجمن
صائب ، حافظ ، سعدی ، خانه هنرمندان ، زمان بختیاری که
به من آرامش بخشیده اند و چند سالی را که در تهران
ساکن بودم انجمنهای حوزه هنری شعرای ایران - نواب -
فرهنگسرای اشراق و مرا با بزرگانی همچون استاد
مهرداد اوستا - علی معلم - حسین منزوی - عباسی
براتی پور - حمید سبزواری و دیگر بزرگان شعر و ادب
تهران آشنا نمود .

و آواز این ودیعه الهی که از کودکی با آن زندگی کرده ام .
پدربزرگم ملاحسن یکی از تعزیه خوانان دوران حکومت
قاجار در اصفهان بود که مرحوم پدرم داستانهای فراوانی از
صدای ملکوتی او نقل می کرد و من نیز ابتدا موسیقی را از
پدر و عمویم که آنها نیز تعزیه خوان بودند فرا گرفتم .

مکتب آواز اصفهان و زنده یاد استاد جلال تاج اصفهانی
موهبتی که خداوند به جوانان خوش صدای اصفهان هدیه
کرده با و من نیز اقبال آنرا داشتم که مدت سه سال در
مردر ف نکی رادیو تلویزیون در کنار بزرگانی همچون
استاد علی صفی شاهزیدی استاد علیرضا افتخاری و استاد
علی رستمیان از شاگردان آن استاد جلیل القدر باشم .

من که یکی از پرسنل ارتش بودم و بخاطر انتقال به
خوزستان از فیض حضور در کلاسهای درس استاد محروم
گردیدم .

اولین آوازم را در سال ۱۳۵۴ هـ . ش با ریولن استاد محمد
مراد دارابی در رادیو اهواز اجرا نمودم . بعد از شروع انقلاب
مردم ایران و داستانی که بر من و خانواده ام گذشت که از
شرح آن می گذرم در سال ۱۳۵۸ به اصفهان منتقل شدم و
از همان سالهای اول انقلاب همکاری خود را با رادیو
اصفهان شروع کردم که حاصل آن ضبط چندین اثر بود .

یکی از آن آثار تصنیف رهگذر بود که برای همیشه در
اذهان مردم این دیار نقش بست ولی افسوس که در این
مرکز فرصت خلق آثار دیگر بدست نیامد .

و جنگ ناخواسته ای پیش آمد که مرا بخاطر تخصص
فیلمبرداری با چشم شیشه ایم (دوربین) برای ثبت دلاور
مردی های مدافعان ایران عزیز به جبهه کشاند و داغی به
وسعت کشورمان ایران در فراق یاران سفرکرده به جگرم
نهاد.

تا آنجائیکه از آنهمه خبرنگار ارتشی تقریباً تنها من زنده
ماندم.

دو کتاب نام مثنوی پرواز (منظوم) و هلی شات خاطرات
یک فیلمبردار که چندین بار تجدید چاپ شده، با یاد و
خاطره همزمانم در هوانروز نوشته ام و دهها فیلم مستند
حاصل فیلمبرداری نویسندگی و کارگردانیم می باشد که
بارها از شبکه های مختلف پخش گردیده است.
در حلبچه هنگام فیلمبرداری من یایی شدم و ابتدا صدایم
به شدت گرفت و از دست رفت ولی بعداً تا حدودی صدایم
را به دست آوردم.

اکنون که ۶۷ ساله شده ام تصمیم به ضبط آلبوم به نام
آسمان چشم به آهنگسازی و شعر خودم گرفتم که این
آلبوم مراحل آخری را می گذراند.

والسلام

ناصر بهرامی